

مردمی کردن اقتصاد (۱۶)

امیرحسین خدائی، پژوهشگر

اقتصاد بدون خام‌فروشی، چرا پالایشگاه مردم بنیاد از چاه نفت مهم‌تر است؟

برای سال‌ها، تصور عمومی این بود که ثروت نفت به معنای داشتن چاه‌های بیشتر است.

اما امروز جهان توسعه‌یافته ثابت کرده است که ثروت واقعی نه در چاه، بلکه در زنجیره ارزش نهفته است، جایی که نفت از یک ماده خام به صدها محصول استراتژیک تبدیل می‌شود، از سوخت جت تا پلیمر، از قیر تا محصولات دارویی، از الیاف صنعتی تا مواد پیشرفته الکترونیکی.

در این میان، کشورهایی که کمترین منابع انرژی را دارند، بیشترین درآمد را از فرآورده‌ها و زنجیره ارزش به دست می‌آورند.

مدل آلمان، ژاپن، کره جنوبی و حتی عربستان جدید نشان می‌دهد که پالایشگاه‌ها، پتروپالایشگاه‌ها و صنایع پایین‌دستی نه فقط واحد صنعتی، بلکه موتور ژئوپلیتیک، ابزار امنیت ملی و زیرساخت قدرت اقتصادی هستند.

اما پرسش اصلی ما این است:

چرا در ایران، مردم هنوز سهمی واقعی و موثر در این زنجیره ندارند؟

و چگونه می‌توان این وضع را تغییر داد؟

خام‌فروشی: بزرگ‌ترین تله ژئوپلیتیک قرن

خام‌فروشی در ظاهر ساده و پرسود است، اما در واقعیت سه آسیب سیستماتیک دارد:

*سود اصلی در جیب خریدار می‌رود، نه تولیدکننده

*تحریم‌پذیری شدید است

*رانت، دلالی و انحصار را تقویت می‌کند

وقتی نفت خام می‌فروشیم، در واقع قدرت مذاکره و ارزش افزوده را واگذار می‌کنیم.

کشوری که ۱ بشکه خام می‌فروشد، فقط یک صادرکننده است.

اما کشوری که همان بشکه را به فرآورده و محصول تبدیل می‌کند، یک قدرت صنعتی است.

به همین دلیل امروز حتی عربستان که زمانی بزرگ‌ترین مدافع خام‌فروشی بود با پروژه‌های عظیم پتروپالایشی مسیر خود را عوض کرده است .

چرا پالایشگاه مردم بنیاد از چاه نفت مهم‌تر است؟

زیرا چاه نفت تنها منبع است، اما پالایشگاه چرخه‌ای از منابع، دانش، اشتغال و ثروت تولید می‌کند که:

*پایدار است

*قابلیت مردم بنیاد دارد

*ارزش افزوده بالا دارد

*تحریم‌پذیری را کاهش می‌دهد

*اشتغال منطقه‌ای ایجاد می‌کند

*مهاجرت معکوس می‌سازد

*قدرت ژئوپلیتیک می‌دهد

*صنایع کوچک را تغذیه می‌کند

*به دانشگاه، دانش بنیان و فناوری متصل می‌شود

در اقتصاد انرژی، پالایشگاه چیزی بیش از یک کارخانه است،
یک گره راهبردی ملی است که اگر مالکیتش مردمی شود، تبدیل به سنگر اقتصادی کشور خواهد شد.

چرا زنجیره ارزش، ضد تحریم ترین اقتصاد جهان است؟

تحریم کننده می تواند نفت خام را هدف بگیرد، اما:

فرآورده ها تنوع دارند

از مسیرهای متعدد قابل صادرات اند

قابلیت ذخیره سازی بلندمدت دارند

بازارهای کوچک منطقه ای برایشان وجود دارد

و بسیاری از آن ها کالای تحریمی قابل تولید داخل هستند

مثال روشن:

کشوری که بنزین، گازوییل، قیر، پروپیلن، اتیلن، مواد پلیمری و خوراک صنایع کوچک تولید می کند، عملاً
تحریم ناپذیر است.

برای ایران، این مزیت حیاتی است.

جای خالی مردم در تکمیل زنجیره ارزش، آسیب پنهان

تا امروز، پالایشگاه ها و پتروپالایشگاه ها عمدتاً در اختیار دولت، شرکت های بزرگ یا نهادهای خاص بوده اند .

مردم:

سهام دار واقعی نبوده اند

سود مستقیم نگرفته اند

نقشی در تصمیم‌گیری نداشته‌اند

و در زنجیره پایین‌دستی فعال نشده‌اند

به همین دلیل بخش مهمی از جامعه، نفت را مال خودش نمی‌داند .

این خلأ که می‌تواند پدافند اجتماعی و در نتیجه مصونیت امنیتی ایجاد کند باید پر شود.

مدل‌های واقعی مشارکت مردم در صنعت پالایش

برای اولین بار می‌توان مردم را به قلب صنعت انرژی آورد، اما با مدل‌هایی تازه، نه تکرار طرح‌های قدیمی.

شش مدل عملی و پایدار:

۱ (صندوق‌های پروژه انرژی

صنایع خرد و مردم حتی با ۵۰۰ هزار تومان سهام‌دار پروژه شوند.

۲ (تبدیل یارانه به سهام پتروپالایش

نه از جیب مردم، بلکه با موافقت مردم از حق ماهانه آنها.

۳ (سهام‌داری اقساطی خانوار

پرداخت‌های کوچک ماهانه → مالکیت واقعی.

۴ (تعاونی‌های منطقه‌ای پالایش

شهرها و استان‌ها سهام‌دار واحدهای فرآوری و صنایع پایین‌دستی.

۵ (مشارکت دانشگاه‌ها در مالکیت پالایشگاه‌ها

برای اولین بار پیوند واقعی صنعت-دانشگاه.

۶ (صنایع خرد کوچک متصل به پالایشگاهها

کسب و کارهای کوچک و متوسط هزاران محصول جانبی تولید کنند.

اینها مدل‌های قابل اجرا هستند، نه رؤیایپردازی.

تجربه جهانی: چگونه دیگران از خام‌فروشی عبور کردند؟

کره جنوبی:

بدون منابع، اما صدها میلیارد دلار صادرات پتروشیمی.

آلمان:

بزرگ‌ترین زنجیره صنایع پایین‌دستی اروپا بدون یک قطره نفت.

عربستان جدید:

سرمایه‌گذاری سنگین روی پتروپالایش و کنار گذاشتن مدل قدیمی.

چین:

بزرگ‌ترین واردکننده نفت، اما بزرگ‌ترین صادرکننده محصولات پالایشی.

در همه این کشورها، راز مشترک یکی بود:

تبدیل انرژی از ماده خام به موتور مولد و محرک پایدار تولید ملی.

این همانی است که ایران هنوز کامل به آن نرسیده است.

پیامدهای مردمی سازی پالایشگاه و پتروشیمی ها برای ایران

*وقتی مالکیت پالایشگاه و پتروشیمی ها مردمی شود:

*ثروت نه فقط در پایتخت، بلکه بین استان ها توزیع می شود.

*شهرهای جنوبی و ساحلی و استان های مرزی شکوفا می شوند

*اشتغال مولد پایدار ایجاد می شود

*دانشگاه ها وارد بازی توزیع فناوری مولد می شوند

*صنایع کوچک متصل متولد می شوند

*سرمایه های خرد فعال می شوند

*وابستگی به فروش نفت خام کم می شود

*در برابر تحریم ها مقاوم می شویم

*رانت و مافیاهای خام فروشی تضعیف می شوند

*مردم مالک واقعی دارایی ملی می شوند

این تحولی است که ساختار اقتصاد ایران را از ریشه تغییر می دهد.

سخن پایانی؛ چاه نفت نقطه شروع است، نه پایان

برای یک قرن، تصور کردیم چاه نفت مقصد است.

اما دنیای امروز نشان داده که چاه تنها حاشیه است،

اصل ماجرا در زنجیره ارزش، فناوری، محصولات، فرآورده ها و صنایع پایین دستی است.

و اگر مردم در قلب این زنجیره قرار بگیرند، اقتصاد ایران:

متنوع می شود

مقاوم می شود

تحریم ناپذیر می شود

اشتغال زا می شود

و ملی می شود، نه دولتی

پالایشگاه مردمی یعنی آغاز یک عصر جدید:

عصر مالکیت عمومی، تولید گسترده، رشد منطقه‌ای و اقتصاد پیشرفته.